

خبر ۲ – پرسپولیس ۱

وار مزه تلخ نخستین باخت فصل را در لرستان به پرسپولیس چشاند

تیم فوتبال خیبر خرم‌آباد دیروز در چارچوب هفته هفتم لیگ برتر با نتیجه ۲–۱ پرسپولیس را از پیش رو برداشت تا با نخستین شکست فصل، تیره‌روزی‌های وحید هاشمیان در نخستین تجربه سرمربیگری ادامه یابد. به گزارش «وطن امروز» دیدار خیبر و پرسپولیس در هفته هفتم لیگ برتر با برتری لرها پایان یافت. برای خیبر، عرفان معصومی دقیقه ۳۰ و عیسی مرادی دقیقه ۹۵ گل زدند و تک‌گل سرخ‌پوشان را امید عالیشاه کاپیتان این تیم دقیقه ۹۰ به ثمر رساند. گل دوم خیبر در آخرین دقیقه بازی ابتدا از سوی کمک‌داور به اشتباه آفساید اعلام شد اما با بررسی وار، داور گل را پذیرفت. با این نتیجه خیبر در رده چهارم و پرسپولیس در جایگاه نهم جدول رده‌بندی قرار گرفتند.

■ ■ ■

احمد امین‌زاده، قوی‌ترین مرد پاراوزنه‌برداری جهان سومین مدال طلای خود را به گردن آویخت

طلا بدون توقف

در روزی که قاهره بوی رقابت می‌داد و سکوی مسابقات زیر نور چراغ‌های داغ برق می‌زد، پرچم سه‌رنگ ایران دوباره بر بلندای جهان ایستاد. مردی از خوزستان، آرام اما مصمم، از دل آهن و درد برخاست تا یک بار دیگر ثابت کند «توان‌یاب» یعنی کسی که هیچ مرزی را به رسمیت نمی‌شناسد. احمد امین‌زاده، قوی‌ترین مرد پاراوزنه‌برداری جهان، سومین مدال طلای خود را به گردن آویخت و تاریخ را با دست‌ان خود نوشت.

رقابت دسته فوق‌سنگین، صحنه جدال ۹ قدرت از ۳ قاره بود؛ جایی که هر حرکت می‌توانست سرنوشت قهرمانی را رقم بزند. امین‌زاده با تمرکزی مثال‌زدنی روی تخته رفت، نخستین وزنه را با اطمینان کامل بالا برد و صدای فریاد داوران و تشویق جمعیت در هم آمیخت. در گام دوم، با اعتماد به نفس و دقتی نظامی، وزنه سنگین‌تری را مهار کرد و نگاه‌ها را به سمت خود چرخاند.

در سومین حرکت، وزنه ۲۷۰ کیلوگرمی بر سینش‌اش نشست، تلاشی جسورانه که هرچند به نتیجه نرسید اما صلابت روح او را به نمایش گذاشت. رکورد نهایی ۲۶۰ کیلوگرم کافی بود تا دوباره بر سکوی نخست جهان بایستد و نشان دهد طلای پارالمپیک پاریس تنها اتفاقی زودگذر نبود.

امین‌زاده حالا در ۳ قاره طلا دارد: از قهرمانی‌های جهانی ۲۰۲۱ و ۲۰۲۳ گرفته تا افتخار بازی‌های پاراآسیایی هاگنوگ. او با مجموع ۵۱۵ کیلوگرم، بار دیگر مرز توان انسانی را جابه‌جا کرد و در تاریخ این رشته، رکوردی از اراده و تمرکز بر جا گذاشت.

در سوی دیگر میدان، مهدی صیادی، دیگر نماینده ایران نیز مبارزهای دلیرانه داشت. او نخستین وزنه‌اش را با اقتدار بالا برد اما در ۲ تلاش بعد مغلوب سنگینی آهن شد. با این حال، حضورش در میان برترین‌های جهان و ثبت رکورد ۲۳۷ کیلوگرم، نشانه تداوم قدرت ایرانی‌ها در این رشته بود.

در پایان، نمایندگان برزیل و گرجستان به مدال‌های نقره و برنز بسنده کردند. سالان قاهره ایستاده تشویق می‌کرد و در میان این همهمه، صدای ملی‌پوش ایرانی آرام زمزمه می‌کرد:

«برایم مهم نیست چند بار زمین بخورم؛ تا وقتی بتوانم دوباره برخیزم».

و همین جمله، فلسفه مردی است که از مرزهای جسم عبور کرده تا معنای تازماری به واژه قدرت ببخشد.

■ ■ ■

اقدام جالب کاپیتان قطری‌ها بعد از صعود به جام جهانی

کاپیتان تیم‌ملی فوتبال قطر اعلام کرد در ساخت یک مدرسه و سالن ورزشی در غزه شرکت خواهد کرد. به گزارش اسپسنا، تیم ملی فوتبال قطر توانست جواز حضور در جام‌جهانی ۲۰۲۶ را به دست آورد. حسن الهیوندس، کاپیتان قطری‌ها حضور در جام‌جهانی را اتفاقی بزرگ برای کشورش توصیف کرد. کاپیتان قطر ابراز امیدواری کرد توافق صلح در غزه باعث شود آرامش در این منطقه برقرار شود.

او عنوان کرد با کمک مالی به ساخت مدرسه و سالن ورزشی در بازسازی غزه مشارکت خواهد کرد، چرا که آموزش و ورزش ۲ راه بازگشت غزه به زندگی جدید است.

■ ■ ■

خواب از چشمان ورزشکاران رژیم صهیونیستی پرید

پلیس اسپانیا خواهان جابه‌جایی فوری هتل اقامتگاه تیم بسکتبال اسرائیلی به‌خاطر مسائل امنیتی شد.

به گزارش فارس، فشار مردم اروپا به ورزشکاران صهیونیست روز به روز بیشتر افزایش می‌یابد. پلیس اسپانیا به اعضای تیم بسکتبال هاپوئل تل‌آویو هشدار داد فورا هتل اقامتگاه‌شان را تخلیه کنند.

مردم اسپانیا برای پنجمین بار در یک ماه ورزشکاران رژیم اشغالگر را تحت‌فشار گذاشتند. اعتراضات گسترده مردم اسپانیا به حضور صهیونیست‌ها در این کشور، از مسابقات دوچرخه‌سواری ماه گذشته آغاز شد که این مسابقات در نهایت لغو شد.

بعد از آن فدراسیون شرط‌رنج اسپانیا با اعتراضات مردم ویزای شرط‌نچازان اسرائیلی را لغو کرد. حالا معترضان محل اقامت تیم بسکتبال تیم هاپوئل در اسپانیا را پیدا کردند و در این محل تجمع کردند تا آرامش و خواب را از آنها بگیرند. پلیس اسپانیا برای دومین بار از تیم اسرائیلی که برای مسابقات یورولیگ به این کشور آمده خواست جابه‌جا شود.



و آزاد بار دیگر با اقتداری فراموش‌نشدنی بر قله جهان ایستاد، وزنه‌برداری ایران پس از سال‌ها به طلای تیمی و قهرمانی جهان رسید و حتی تیم نجوم و اخت‌فیزیک کشورمان در میان بیش از ۲۰۰ کشور، عنوان نخست را از آن خود کرد. از س‌وی دیگر، هادی چوپان، نماد اراده و انضباط، در رقابت با غول‌های بدنسازی جهان نایب‌قهرمان شد و بار دیگر نام ایران را فریاد زد.

اما در میان این طنین غرور، تنها یک رشته است که همچنان آوای ضعیفش در گوش می‌پیچد: فوتبال. ورزشی که روزگاری برای مردم ایران نه فقط بازی که رؤیا بود؛ حالا به صحنه‌ای از ناامیدی، دلالی و بی‌اعتمادی بدل شده است. فوتبال ایران نه از کمبود استعداد رنج می‌برد، نه از فقدان علاقه‌مندان، مشکل، سلیلی از پول است که بی‌هدف به رگ‌های این پیکر تزریق شده و آن را بیمار کرده است. سرمایه‌ای که باید برای ساخت زمین تمرین در شهرهای کوچک یا آموزش مربیان پایه خرج شود، حالا در جیب واسطه‌هایی می‌رود که فوتبال را با بازار خرید و فروش ملک اشتباه گرفته‌ند.

گس‌یل بی‌محایای پول به سفره فوتبال، نه‌تنها سایر رشته‌ها را فقیرتر کرده، بلکه خود فوتبال را نیز از درون پوسانده است. فساد، در این زمین دیگر پنهان نیست؛ پیدا و آشکار نفس می‌کشد.

زمانی از کوچه‌های خاکی جنوب شهر، پس‌راهی می‌آمدند که با پای برهنه رؤیای قله را در سر داشتند؛ از ناصر محمدخانی تا فرشاد پیوس و قلعه‌نویی، از شاهین و شاهرخ بیانی تا مجید نامجو.مطلق اما امروز آن کوچه‌ها خالی‌اند. گذرگاه رسیدن به تیم‌های بزرگ، زیر چکمه دلالانی له شده که بر سر هر پیچ نشست‌اند و با لیخنده‌های مصنوعی، استعدادها را می‌بلعند. در نگاه آنان، بازیکن نه انسان که کالا‌ست. نه کیفیت، بلکه قیمت است که آینده را تعیین می‌کند.

این مسیر معیوب، استعدادها را پیش از شکوفایی می‌سوزاند. جوانانی که می‌توانستند ستاره شوند، در آکادمی‌هایی که بوی تجارت می‌دهد خاک می‌خورند. مثال‌ها فراوان است: وحید

بررسی دقیق کارنامه تیم ملی وزنه‌برداری که قهرمان جهان شد

برخاستن از تخته

کنار رفت. بدنش تاب نیاورد و مصدومیت اجازه نداد رویایش را کامل کند.
■ **هشدار زیر پوست افتخار**
مصدومیت‌ها بسار دیگر رنگ خطر را به صدا درآورد. کارشناسان می‌گویند تعداد بالای آسیب‌ها، بویژه در تمرینات سنگین پیش از مسابقات، باید جدی گرفته شود. برخی حتی انتشار ویدئوی تمرین داوودی پیش از مسابقه را تصمیمی اشتباه دانستند. آنها معتقدند او باید انرژی خود را برای روز رقابت نگه می‌داشت و اجازه می‌داد نمایش قدرتش در سالن مسابقه رقم بخورد، نه در شبکه‌های اجتماعی.

در سوی دیگر، نگاه کادر فنی به جنبه فنی و روانی مسابقات قابل تحسین بود. تمرکز روی اجرای دقیق حرکات و حفظ آرامش ذهنی در اکثر اوزان نتیجه داد.

■ **تجربه‌ای که باید درس شود**

مسابقات جهانی نروژ برای وزنه‌برداری ایران یک نقطه عطف بوده،موقعیت از نظر ساختار و هشدار از نظر محتوا بازگشت به صدر نشان داد توان بالاوقه همچنان در رگ‌های این ورزش جریان دارد. جوانانی چون نصیری، معینی و دیگر پدیده‌ها، آینده‌ای روشن ترسیم کردند اما شکست در فوق‌سنگین یادآور شد

هنوز مسیر ادامه دارد.

تیم سلیمی اگر بخواهد دوران تازماری از اقتدار را رقم بزند، باید از همین تجربه درس بگیرد. ترکیب فعلی ظرفیت دارد تا چند سال آینده دوباره نام ایران را در تمام اوزان بر قله جهان ثبت کند اما به شرط آنکه از اشتباهات اخیر درس گرفته شود:مدیریت تمرین، حفظ سلامت بدنی و تمرکز بر مسابقه

■ **پایان باز یک آغاز**

در پایان رقابت‌ها، وقتی پرچم ایران در سالن نروژ بالا رفت، لیخنده‌ها واقعی بود اما نگاه‌ها به آینده دوخته شد. همه می‌دانستند این فقط یک شروع است؛ شروع نسلی که آمده تا دوباره تاریخ بسازد اما این تاریخ، برای ماندن روی سکوی جهان، بیش از بازو، به صبر و تدبیر نیاز دارد. جهانی نروژ، ترکیبی از امید و هشدار بوده،امید به نسل تازه، هشدار نسبت به مصدومیت و ناپایداری. اگر بهداد سلیمی و شاگردانش بتوانند میان این ۲ تعادل برقرار کنند، شاید در رقابت بعد، آن طلای ناتمام، کامل شود.

چرا سایر رشته‌ها موفق هستند اما فوتبال در جامی‌زند؟



امیری تا ۲۸ سالگی در حاشیه فوتبال بود،دایی در ۲۴ سالگی تازه کشف شد و امروز شاید صدها استعداد در روستاها و شهرهای کوچک چشم به راه فرصتی‌اند که هر گز نمی‌رسد.

در کشوری با ۹۰ میلیون نفر جمعیت، چرا لیگ برترش هر سال فقط یکی دو پدیده تحویل می‌دهد؟ اصلا این عدد شاید صفر هم باشد. پاسخ ساده است: پول، استعداد را خفه کرده است.

پول که باید زیرساخت بسازد، حالا دیواری بین استعداد و فرصت کشیده است. مدیران، مربیان و حتی بازیکنان در چرخه‌ای از نتیجه‌گرایی اسیر شده‌اند که همه چیز را در کوتاه‌مدت می‌خواهد. هیچ‌کس صبر ندارد تا بازیکنی رشد کند یا مربی‌ای تجربه ببیندوزد. در چنین فضایی، تنها معدود مربیانی چون سیدمجتبی حسینی جرأت می‌کنند به نسل تازه اعتماد کنند؛ هرچند همین جسارت هم بهای سنگینی دارد و معمولاً با عدم اعتماد تیم‌های بزرگ پاسخ داده می‌شود. سؤال این است: چرا مدیران فوتبال ایران حاضر نیستند نیمکت استقلال و پرسپولیس را به امثال سیدمجتبی حسینی یا پیروز قربانی ب‌سپارند؟ چرا هر فصل، همان‌نام‌های تکراری با قراردادهای نجومی روی نیمکت می‌نشینند و همان نتایج تکراری را تحویل می‌دهند؟

پاسخ در ساختار پوسیده‌ای است که نه به شایستگی، بلکه به رابطه و مصلحت پاداش می‌دهد. مدبری که بر مسند می‌نشیند، دغدغه اصلاح ندارد؛ فقط می‌خواهد دوره‌اش بی‌حاشیه تمام شود و نامش با ناکامی عجین نشود.

در حالی که قهرمانان رشته‌های دیگر با کمترین امکانات، پرچم ایران را بالا می‌برند، فوتبال ما با بیشترین بودجه، فقط زمین‌خورده تحویل می‌دهد. تفاوت چیست؟ در صداقت، در ایمان به کار و در پلکی نیت. ورزش‌هایی چون کشتی، وزنه‌برداری، تکواندو، کاراته یا والیبال هنوز بوی مردم می‌دهند اما فوتبال مدت‌هاست از مردم جدا شده است.

فوتبال ایران بیمار است، نه از فقر، بلکه از وفور! ثروتی که باید برکت بیاورد، به لعنت بدل شده است. تازمانی که ساختار اقتصادی این ورزش بازنگردد و پول جای اخلاقی را پر کند، هر قهرمانی دیگر رشته‌ها طعن‌ها به قامت فوتبال خواهد بود.

شاید وقت آن رسیده که مردم دیگر از این فوتبال دل بکنند و به قهرمانان واقعی نگاه کنند؛ کسانی که بی‌ادعا می‌جنگند، می‌بش‌توانند می‌درخشند و در سکوت، برای این سرزمین افتخار می‌آفرینند.

عاقبت استقلال دومین پیروزی را داشت کرد

خفیف اما حیاتی

تقویت خودباوری‌اش منجر می‌شد. او بیشتر مجبور بود برای توپ‌گیری به عقب بیاید، البته شاید این را سرمربی پرتهالی از وی خواسته بود تا فضا برای نفوذ کوشکی و آسانی بهتر فراهم شود. یکی دیگر از نواقص موجود در تیم استقلال، عدم خودباوری کافی برخی بازیکنان است که یک وجه آن به نتایج اخیر این تیم برمی‌گردد و عدم آمادگی کامل بدنی و ذهنی تعدادی از بازیکنان، نقیصه دیگری است که توقع می‌رفت پیش‌تر از این مرتفع می‌شد!

هرچند آبی‌پوشان در نیمه دوم صلابت نیمه اول را نداشتند ولی در این بازی ضرابهنگ هجومی بهتری نسبت به قبل داشتند و تعداد شوت‌های خطرناک و هدفمندشان نیز بیشتر از قبل بود. خط دفاع استقلال بالاخره به رهبری آشورمانف ازبک اسجام بهتری یافت. این بازیکن که در بازی‌سازی نیز توانا نشان می‌دهد، به همراه سامان فلاح و عارف آقاسی آمده، قابلیت ایجاد هماهنگی و استحکام در قلب دفاع را دارند.

پیروزی خانگی استقلال بر مس رفتسجنان، ضامن تداوم این روند برای آبی‌پوشان نیست ولی می‌تواند س‌راغ‌ازی بر شکوفا شدن این تیم باشد به شرط رف‌ع آن دسته از ایرادات فردی و تیمی که هنوز برجاست. ضمن اینکه کادر فنی استقلال باید عمیقا دنبال این موضوع باشد که چرا بهترین گلزن مرحله مقدماتی جام‌جهانی آمریکای شمالی و مرکزی (داکزن نازون)، کماکان در استقلال بازیکن ناماده و کم‌آر‌می است؟ همچنین سرمربی آبی‌پوشان باید توجهش را بیشتر از نام‌ها به انگیزه‌ها معطوف کند، چراکه در نهایت نفع آن عاید خود وی و تیمش خواهد شد.



استقلال برابر مس رفتسجنان با چند تغییر که بیشتر حالت اجباری داشت به میدان رفت، از فضا این تغییرات بهبود روند بازی آبی‌پوشان را موجب شد. صالح حردانی، حسین گو‌د‌رزی،

امیر رزاقی‌نیا و سعید سحرخیزان نمایش خوبی داشتند و بعضا بهتر از بازیکنانی که جایگزین‌شان شده بودند، عمل کردند تا باز معلوم شود فوتبال را «تام‌ها» بازی نمی‌کنند.

تیم اسپینتو برای خروج از بحران، شدیدا به این پیروزی نیاز داشت. هر چند این مهم برابر تیمی ق‌ع‌رج‌د‌ولی و تنها با یک گل محقق شد اما برای استقلایی‌ها و سرمربی‌شان کاملا حیاتی بود. آبی‌پوشان در این دیدار بویژه نیمه اول بهتر و چشم‌نوازتر از تمام بازی‌های قبل ظاهر شدند که البته بسته بازی نکردن تیم مس رفتسجنان نیز در این قضیه بی‌تاثیر نبود؛ مسی‌ها در مقابل میزبان اصولا دنبال فوتبال تدا‌ف‌عی نبودند و این خود جذابیت بازی را به دنبال داشت.

تیم استقلال اگر برخی ایرادات خود را در این بازی برطرف می‌کرد، می‌توانست به گل‌های بیشتری دست پیدا کند. هنوز برخی ت‌ک‌روی‌های بیجا آن هم از سوی بازیکنانی چون آسانی و احمدی، آن هم در هنگام حمله یکی از نقایص این تیم است؛ آسانی در برخی صحنه‌ها می‌توانست به جای ت‌ک‌روی هم‌تیمی‌هایش را صاحب موقعیت بهتری سازد. سحرخیزان به عنوان مهاجم نوک آبی‌پوشان خیلی بهتر و بیشتر باید تغذیه می‌شد؛ تغذیه بهتر او چه بسا به گلزنی و

لیگ برتر بیست‌وپنجم فوتبال ایران همچنان بدون اخراج سرمربی پیش می‌رود

نیمکت‌های باثبات



و حتی در تیم‌هایی که نتیجه نگرفته‌اند، بیشتر از برکناری، از «اصلاح و صبر» سخن گفته می‌شود. این یعنی نوعی تغییر رفتار در هفتم مدیریت ورزشی؛ تغییری که شاید محصول تجربه تلخ سال‌های گذشته باشد؛ جایی که تعویض‌های شتاب‌زده نه‌تنها مشکل را حل نکرد، بلکه بحران را عمیق‌تر کرد.

■ **ثبات یا آرامش قبل از توانان؟**

با این همه، کارشناسان هشدار می‌دهند آرامش فعلی می‌تواند از نوع آرامش قبل از توانان باشد. هفتم در فوتبال ایران همیشه مرز صبر و تصمیم است. فیاد‌ی اخیر فرصت اندیشه را فراهم کرد اما نتایج بعدی ممکن است همه چیز را تغییر دهد. تیم‌هایی که به امید بازسازی از تعطیلات بازگشته‌اند، حالا با فشار افکار عمومی روبه‌رو خواهند شد؛ بویژه آنهایی که هنوز در نیمه پایین جدولند.

برای مدیران، ادامه ناکامی بعد از این نقطه یعنی از دست دادن کنترل افکار عمومی هواداران. آنها خوب می‌دانند یک شکست یا حتی مساوی دیگر می‌تواند صدای سکوها را به اعتراض تبدیل کند. بنابراین شاید نخستین اخراجی فصل در همین هفته هفتم رقم بخورد؛ نقطه‌ای که معمولاً پرده تغییرات را بالا می‌برد.

یک سال قبل‌تر، علیرضا منصوریان در سومین هفته رقابت‌ها با فولاد خداحافظی کرد. در لیگ بیست‌ودوم، صنعت نفت آبادان در هفتم ششم حکم عزل رضا پرکاس را صادر کرد.

در لیگ بیست‌ویکم، رکوردشکنی در ناپایداری به عقب‌تر که برگردیم، فصول نوزدهم و بیستم هم پس از نام‌هایی است که نیمکت را زودتر از موعد ترک کردند. از منصوریان گرفته تا بگوویچ، از عبدالله ویسی تا خداداد عزیزی همه این چهره‌ها قربانی ص‌بر کم‌مدیران شدند.

■ **چهره متفاوت لیگ ۲۵**
اما امسال، داستان دیگری در جریان است. لیگ بیست‌وپنجم نه با جنجال آغاز شد، نه با شوک استعفا. با گذشت ۲ فیاد‌ی و چند توقف ملی، هنوز تمام تیم‌ها با همان کادر فنی اولیه به مسیر ادامه می‌دهند. انگار مدیران برای نخستین بار تصمیم گرفته‌اند به مربیان‌شان زمان بدهند.

درون باشگاه‌ها کمتر صدای ناراضیاتی شنیده می‌شود اما امسال، داستان دیگری در جریان است. لیگ بیست‌وپنجم نه با جنجال آغاز شد، نه با شوک استعفا. با گذشت ۲ فیاد‌ی و چند توقف ملی، هنوز تمام تیم‌ها با همان کادر فنی اولیه به مسیر ادامه می‌دهند. انگار مدیران برای نخستین بار تصمیم گرفته‌اند به مربیان‌شان زمان بدهند.

■ **نگاهی از زاویه دیگر**

از زاویه‌ای خوش‌بینانه، شاید این ثبات نشانه رشد فوتبال حرفه‌ای باشد. مربیان جوان‌تری روی نیمکت‌ها نشست‌اند، قرارداده‌ها حرفه‌ای‌تر بسته شده و مدیران یاد گرفته‌اند پروژه‌های فنی را در بازه بلندمدت ارزیابی کنند. نیمی از تیم‌های لیگ، پیش از آغاز فصل، کادر فنی خود را تغییر دادند. پس شاید دلیل آرامش فعلی، نه رضایت مطلق از عملکردها، بلکه نتیجه خانه‌تکانی تابستانی باشد؛ تیم‌ها تازه در حال شناخت خودند و کسی عجله‌ای برای برهم زدن چیدمان ندارد.

در هر صورت، فوتبال ایران هرگز قابل پیش‌بینی نیست. نیمکت‌ها همیشه زیر پای مربیان داغ است، حتی اگر فعلا ظاهر آرامی داشته باشند. یک اشتباه داوری، یک گل در وقت‌های تلف‌شده یا یک مصاحبه بی‌موقع می‌تواند موجی بسازد که نیمکت‌ها را یکی یکی بلعد.

هواداران فوتبال در ایران این چرخه را بخوبی می‌شناسند: وعده فرصت و ثبات، چند نتیجه بد، خشم سکوها و سپس حکم خداحافظی.

تا این لحظه، لیگ بیست‌وپنجم دریای آرام بوده اما همه می‌دانند زیر این سطح برقی، جریان‌های خطرناک پنهانند. فقط باید منتظر س‌وت آغاز هفته هفتم بود تا فهمید آیا این آرامش ادامه خواهد داشت یا نخستین موج، نخستین قربانی را از نیمکت کنار می‌گذارد؛ کسی چه می‌داند؟ شاید پایان همین هفته اخراج‌ها یا استعفا‌ها شروع شود.